

۷۳۹- با توجه به ابیات، در کدام گزینه همه واژه‌های مشخص شده به‌درستی معنا شده است؟

- (۱) همه تیغ و ساعد ز خون بود، لعل
(۲) برآهینخت ز قدام، گرز گران
(۳) تو قلب سپه را به‌آیین بدار
(۴) کشانی بدو گفت: با تو سلج
- خروشان دل خاک، در زیر تعل (شمشیر، شج، پای‌افزار)
غمی شد ز پیکار، دست سران (پروان کشید، سنگین، خسته)
من اکنون پیاده کنم کارزار (میلان، منظم، پیکار)
نبینم همی جز فسوس و مزیح (افزار جنگ، کید، شوخی)

۷۴۰- «میر، عنان، کوس، پتک، گرد، پارگی» به‌ترتیب یعنی

- (۱) خفتان، افسار، بوق، آهن‌کوب، دلیر، لب
(۲) نوعی جامه جنگی، لکام، طبل بزرگ، عمود آهنین، پهلوان، اسب
(۳) نوعی جامه جنگی، لکام، طبل بزرگ، عمود آهنین، پهلوان، اسب
(۴) خفتان، دهانه، ذهل، چکش بزرگ فولادین، پهلوان، باره

۷۴۱- در کدام دو گروه، معنای هر دو واژه درست است؟

- (الف) (چوبه: تیری که از جنس چوب خدنگ باشد)، (آبنوس: درختی است با چوب سیاه، سخت و سنگین که از آن تیر و نیزه می‌سازند).
(ب) (پیکان: فلز نوک‌تیر)، (شست: انگشترمانندی از جنس استخوان که در انگشت شست می‌کردند و در وقت کمان‌کشیدن، زه کمان را با آن می‌گرفتند).

(ج) (خود: کلاه پشمی که سربازان به هنگام تشریفات نظامی بر سر می‌گذارند)، (گام: مجازاً آرزو)

(د) (سندروس: صمغی زردرنگ)، (ذد: جاتور دژنده، مانند شیر و پلنگ)

- (۱) ب - د (۲) الف - ج (۳) د - ج (۴) الف - ب

۷۴۲- در گزینه دو واژه نادرست معنا شده است.

- (۱) (بهرام: سیاره مریخ)، (هماورد: رقیب)، (ترگ: کلاه‌خود)، (برآویختن: برکشیدن)
(۲) (زه: جلّه کمان)، (سیردن: واگذاری)، (باده: می)، (چالاک: دلاور)
(۳) (تنگ: تسمه و دوال)، (تیز: سریع)، (برخاش: جنگ)، (ستوه: ملول)
(۴) (نبرده: جنگجو)، (رنجه: آزاده)، (خیره‌خیر: سریع)، (جاه: درجه)

۷۴۳- در همه گزینه‌ها، به‌استثنای معنی تمام واژه‌ها به‌ترتیب درست است.

- (۱) کنار، رزم‌آزمای، نرسان، صالح ← آغوش، جنگاور، مانند، نیکوکار
(۲) بداندیش، سزیدن، مجال، تهمتن ← بدسگال، شایسته‌بودن، فرصت، تنومند
(۳) رجزخوانی، گزین‌کردن، ستیز، فال ← خودستایی، انتخاب‌کردن، جدال، شگون
(۴) لعل، ستاندن، گیتی، کیوان ← سنگ سرخ قیمتی، پس‌دادن، جهان، سیاره زحل

۷۴۴- کلمات گزینه در یک شبکه معنایی قرار می‌گیرند.

- (۱) تیغ، گرز، پتک، سندروس، تیر
(۲) کمان، شست، پیکان، لعل، زه
(۳) پارگی، عنان، کمیت، شم، توسن
(۴) خدنگ، آبنوس، چوبه، سپهر، گلبن

۷۴۵- کلمات مشخص شده در کدام بیت در یک شبکه معنایی نیستند؟

- (۱) جانم از غمزه نیرافکن تو خسته نشد
(۲) ساقیا می‌ده که ما زردی‌کش میخانه‌ایم
(۳) شمی چون شه روی شسته به قیر
(۴) نه هر درخت تحمل کند جفای خزان
- زان که جز زلف خوست را زره و خود نکرد
با خرابات آشنایم از خرد بیگانه‌ایم
نه بهرام پیدانه کیوان نه تیر
غلام همت سرورم که این قدم دارد

۷۴۶- «کجا» در چند بیت به معنای حرف ربط «که» است؟

- الف) دل من نه مرد آن است که با غمش برآید
 ب) کهن کند به زمانی همان کجا نو بود
 ج) تو را زین جهان شادمانی بس است
 د) ندانم کجا دیده‌ام در کتاب
 ه) همیشه تا صفت تیرگی نصیب شب است
- ۱) سه (۲) دو (۳) چهار (۴) یک

۷۴۷- «گران» در ابیات کدام گزینه به ترتیب به معنای «سنگین، شدید، بزرگ و عظیم، پر بها، انبوه آمده است»؟

- الف) همی‌گفت کامروز رزمی گران
 ب) تنت زورمند است و لشکر گران
 ج) تا مست نباشی، نیری بار غم یار
 د) دانش چو گوهریست که عمرش بود بها
 ه) به کارهای گران مرد کار دیده فرست
- ۱) ه- الف - ج - د - ب (۲) ج - الف - ه - د - ب (۳) ه - د - الف - ج - ب (۴) ج - الف - د - ب - ه

۷۴۸- «سپردن» در کدام بیت معنای متفاوتی دارد؟

- ۱) به پای اندر افکند و ببرد خوار
 ۲) حشمت مبین و سلطنت گل که ببرد
 ۳) فریادون نهاد این گله بر سرم
 ۴) خروشید و برجست لرزان ز جای

۷۴۹- معنای «اندیشیدن» در همه ابیات به جز بیت یکسان است.

- ۱) ز مشکلات طریقت عنان متاب ای دل
 ۲) بهره‌یز از هلاک تن، بقای جان اگر خواهی
 ۳) بدی کردند و نیکی با تن خویش
 ۴) چه اندیشی از آن سپاه بزرگ

۷۵۰- معنای «ردیف» در کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) تنهانه من به دانه خالت مقیدم
 ۲) نامم به عاشقی شد و گویند توبه کن
 ۳) آن مژه‌ی که دست ندادی به بند کس
 ۴) شرح غمت به وصف نخواهد شدن تمام

(سازمان ۹۵)

۷۵۱- معنای جفت‌واژه مشخص شده در ابیات کدام گزینه یکسان است؟

همانا بدیدی به تنگی نشیب رها کرد از او حلقه پای‌بند به ایرانیان، <u>تنگ</u> و <u>بند</u> آورد برفتند یگدل، <u>سوی</u> <u>کارزار</u> زان همی‌بینی در <u>اویزان</u> دو صد <u>حلاج</u> را به ایران، به <u>تاراج</u> و <u>اویختن</u> سپهر آن <u>زمان</u> ، <u>دست</u> او داد <u>بوس</u> قوت <u>جانم</u> زد و <u>باقوت</u> <u>شکریار</u> <u>نداد</u>	۱) چرا <u>ساختی</u> <u>بند</u> و <u>مکر</u> و <u>فریب</u> بزد <u>دست</u> و <u>یگست</u> <u>زنجیر</u> و <u>بند</u> ۲) همه <u>تیغ</u> و <u>گرز</u> و <u>کمند</u> آورد بر <u>اسبان</u> <u>بگردند</u> <u>تنگ</u> <u>استوار</u> ۳) <u>زندگی</u> ز <u>اویختن</u> دارد <u>جو</u> <u>میوه</u> از <u>درخت</u> تو <u>چندین</u> <u>چه</u> <u>نازی</u> به <u>خون‌ریختن</u> ۴) <u>بوزه</u> <u>بَر</u> <u>بَر</u> و <u>سینه</u> <u>اشکیوس</u> <u>دوش</u> <u>یارم</u> به <u>بَر</u> <u>خویش</u> <u>مرا</u> <u>بار</u> <u>نداد</u>
--	--

۷۵۲- معنای «تیز» در ابیات زیر، به ترتیب در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

بس <u>تیز</u> <u>گوش</u> دارد، <u>مگشا</u> به <u>بد</u> <u>زبان</u> را رو <u>بمگردان</u> که آن <u>شیوه</u> <u>شاهی</u> است آن <u>بازار</u> <u>خویش</u> و <u>آتش</u> <u>ما</u> <u>تیز</u> <u>می‌کنی</u> <u>جهان</u> از <u>تو</u> <u>گیرند</u> <u>راه</u> <u>گریز</u> <u>می‌دواند</u> <u>اسب</u> <u>خود</u> در <u>راه</u> <u>تیز</u>	الف) این‌جا کسی‌ست <u>پنهان</u> ، <u>خود</u> را <u>مگیر</u> <u>تنها</u> ب) <u>دشنة</u> <u>تیز</u> از <u>خلیل</u> <u>بندد</u> <u>بر</u> <u>گردنت</u> ج) <u>دیدار</u> <u>می‌نمایی</u> و <u>پرهیز</u> <u>می‌کنی</u> د) <u>وگر</u> <u>تند</u> <u>باشی</u> به <u>یک</u> <u>بار</u> و <u>تیز</u> ه) <u>اسب</u> <u>خود</u> را <u>پاوه</u> <u>داند</u> <u>وز</u> <u>ستیز</u>
--	--

۲) سریع - بُرنده - خشمگین - یادقت - سریع

۴) سریع - خشمگین - بُرنده - یادقت - سوزاننده

۱) یادقت - بُرنده - سوزاننده - خشمگین - سریع

۳) یادقت - بُرنده - سریع - خشمگین - سوزاننده

قرابت معنایی

۷۵۶- مفهوم کدام عبارت نادرست است؟

- ۱) زمانه مرا پتک ترگ تو کرد: روزگار مرا به جدایی از تو برانگیخت.
- ۲) غمی شد ز بیکار دست سران: دست پهلوانان از نبرد با گرزهای سنگین خسته شد.
- ۳) چنان شد که گفنی ز مادر نژاد: جان به جان آفرین تسلیم کرد.
- ۴) که رهام را جام باده است جفت: رهام اهل یزم و شراب است، نه جنگ و رزم.

(فنی ۸۸)

۷۵۷- در بیت زیر، کدام صفت برای تیر ذکر نشده است؟

- «یکی تیر الماس پیکان چو آب
 (۱) برنده
 (۲) نشان دار
 (۳) بزاق
 (۴) سریع»

(استغین المپیار آری)

۷۵۸- با توجه به داستان «رستم و اشکبوس» کدام گزینه از زبان رستم نیست؟

- ۱) خروشید کای مرد رزم آزمای
 - ۲) بدو گفت خندان که نام تو چیست؟
 - ۳) مرا مادرم نام مرگ تو کرد
 - ۴) سزد گر بداري سرش در کنار
- هماوردت آمد مشو باز جای
 تن بی سرت را که خواهد گریست؟
 زمانه مرا پتک ترگ تو کرد
 زمانی برآسایبی از کارزار

(رستم و پشمین المپیار آری)

۷۵۹- مفهوم رجز خوانی و تهدید در همه گزینه‌ها به جز گزینه ملموس است.

- ۱) پیاده مرا زان فرستاد طوس
 - ۲) مرا مادرم نام مرگ تو کرد
 - ۳) کشانی بدو گفت: بی بازگی
 - ۴) تو قلب سیه را به ایبلن بدار
- که تا اسب بستانم از اشکبوس
 زمانه مرا پتک ترگ تو کرد
 به کشتن دهی سر به یکبارگی
 من اکنون پیاده کنم کارزار

۷۶۰- در کدام گزینه «تهدید به مرگ» دیده نمی شود؟

- ۱) بدو گفت خندان که نام تو چیست؟
 - ۲) تهمتن چنین داد پاسخ که نام
 - ۳) مرا مادرم نام مرگ تو کرد
 - ۴) سزد بر بر و سینه اشکبوس
- تن بی سرت را که خواهد گریست؟
 چه پرسی کزین پس نبینی تو کام
 زمانه مرا پتک ترگ تو کرد
 سپهر آن زمان دست او داد بوس

۷۶۱- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) خروش سواران و اسپان از دشت
 - ۲) همه تیغ و ساعد ز خون بلود، لعل
 - ۳) پیاده ندیدی که جنگ آورد
 - ۴) نماند ایچ با روی خورشید، رنگ
- ز بهرام و کیوان همی برگذشت
 خروشان دل خاک، در زیر نعل
 سر سرکشان زیر سنگ آورد؟
 به جوش آمده خاک، بر کوه و سنگ

مؤلفه ۷۶۲- مفهوم نوشته شده در برابر کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) همه تیغ و ساعد ز خون بود، لعل
 (۲) بیامد که جوید ز ایران نبرد
 (۳) پراهیخت رخسار گرز گران
 (۴) کمان را به زه کرد زود اشکیوس
- خبروشان دل خاک، در زیر نعل (۱) شبت درگیری)
 سر هم نبرد اندر آرد به گرد (۲) مبارزطلبی)
 غمی شد ز پیکار دست سران (۳) فرار از مبارزه با دشمن)
 تنی لرز لرزان و رخ سندروس (۴) ترس و هراس از مبارزه)

۷۶۳- در کدام گزینه مفهوم ابیات با هم تناسب دارند؟

- (۱) به آورد با او بسنده نبود
 چنین ازدهامن بسی دیده ام
 (۲) عنان برگرایید و برگاشت اسب
 کشتای بخندید و خیره بماند
 (۳) یکی تیر زد بر بر اسب اوی
 خندگش بدزید برگشتوان
 (۴) پیاده به از چون تو پانصد سوار
 شمار سپاه آمدش صد هزار
- بپیچید از او روی و برگاشت زود
 که از رزم او سر نیپیچیده ام
 بیامد به کزدار آذرگشپ
 عنان را گران کرد و او را بخواند
 که اسب اندر آمد ز بالا به روی
 بماند آن زمان بازگی بسی روان
 بدین روز و این گردش کارزار
 پیاده بسی در میان سوار

۷۶۴- بیت «که شیری نترسد ز یک دشت گور / ستاره نتابد چو تابنده هور» با کدام بیت تناسب مفهومی بیشتری دارد؟

- (۱) به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ
 (۲) کشتای بدو گفت: بی بازگی
 (۳) پیاده به از چون تو پانصد سوار
 (۴) خروشید: کای مرد رزم آزمای
- سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟
 به کشتن دهی سر، به یکبارگی
 بدین روز و این گردش کارزار
 هماوردت آمد مشو سباز جای

۷۶۵- در همه گزینه ها، به جز گزینه مفهوم کنایی هر دو مصراع با هم تناسب دارند.

- (۱) سر هم نبرد اندر آرد به گرد - سر سرکشان زیر سنگ آورد
 (۲) تن بی سرت را که خواهد گریست؟ - مرا مادرم نام مرگ تو کرد
 (۳) همی گرد رزم اندر آمد به ابر - زمین آهنین شد سپهر آبنوس
 (۴) که رهام را جام باده است جفت - که بنشین به پیش گرانمایه جفت

۷۶۶- مفهوم کدام گزینه از سایر ابیات دور است؟

- (۱) به گردن کشان گفت شاه جهان
 (۲) بیامد که جوید ز ایران نبرد
 (۳) که هر کاه به بیداد جوید نبرد
 (۴) که آید ز گردان به پیش سپاه
- که با او که جوید نبرد از مهان؟
 سر هم نبرد اندر آرد به گرد
 جگرخسته بازآید و روی زرد
 که آورد گیرد بدین رزمگاه؟

۷۶۷- مفهوم کدام گروه از ابیات زیر با بیت «همه تیغ و گرز و گمند آورید / به ایرانیان، تنگ و بند آورید» متناسب است؟

- (الف) که امروز رزمی بزرگ است پیش
 (ب) ز دل ها همه ترس بیرون کنید
 (ج) هنرها کتون کرد باید پدید
 (د) مباحید یک تن بر این رزمگاه
 (ه) همه دل به خون ریختن برنهد
 (و) شما تیغ ها در نیام آورید
- پدید آید اندازة گزرگ و میش
 زمین را ز خون رود جیحون کنید
 بر این دشت بر، کینه باید کشید
 مسازید جستن سوی رزم راه
 سپر بر سر آرید و خنجر دهید
 می سرخ و سیمینه جام آورید

- (۱) ب - ج - ه (۲) الف - ب - د (۳) ب - د - و (۴) ج - الف - ه

۷۷۰- عبارت «از جاهت آندیشه همی کردم؛ اکنون که در جاهت دیدم، فرصت غنیمت دانستم.» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- | | |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) نمرود را ز پای درآورد پشه‌ای | بر دشمن ضعیف چه رحمت کند کسی؟ |
| ۲) تا بتوانی برآورد از خصم دمدار | چون جنگ ندانی، آشتی عیب مدار |
| ۳) می‌توان روز سیاه از خصم داد گرفت | صبر آن دارم که خط گرد رخس پیدا شود |
| ۴) عاقبت می‌طلبی بگنر از آندیشه جاه | شمع را آفت سر آفر ز زمین آمد |

۷۷۱- بیت «چون نغاری ناخن دژنده، تیز / با ددان آن به که کم گیری ستیز» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- | | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) ای روبهک چرا نشینی به جای خویش | با شیر پنجه کردی و دیدی سزای خویش |
| ۲) از دست دیگران چه شکایت کند کسی | سیلی به دست خویش زند بر قفای خویش |
| ۳) با دیگران بگوی که ظالم به چه فتاد | تا چاه دیگران نکنند از برای خویش |
| ۴) چاه است و راه و دیدۀ بینا و آفتاب | تا آدمی نگاه کند پیش پای خویش |

۷۷۲- مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت «هر که با پولادبازو، پنجه کرد / ساعد مسکین خود را رنجه کرد» متناسب است؟

- | | |
|---|--|
| ۱) به بازوان توانا و قوت سردست | خطاست پنجه مسکین ناتوان بشکست |
| ۲) پنجه نفس به بازوی ریاضت بشکن | گوی مقصود به چوگان قناعت برای |
| ۳) تا توان با خصم آتش‌خوی سر بر سر منه | تا سر خود را نبینی پیش پا مانند شمع |
| ۴) در پناه قدرتش بازوی بی‌زوران قوی است | تا به آن غایت که گوهر سفته گشت از ریسمان |

۷۷۳- مفهوم مقابل بیت «باش تا دستش ببندد روزگار / پس به کام دوستان مغزش برآر» در همه گزینه‌ها، به استثنای بیت دیده می‌شود.

- | | |
|---|---------------------------------------|
| ۱) سیل را کوناهی دیوار عاجز می‌کند | سز راه دشمن غالب تحمّل می‌شود |
| ۲) صاحب‌اقبالی که پای خود به وقت اقتدار | بر گلوی دشمن عاجز فشارد کشتی است |
| ۳) انتقام از دشمن عاجز به نیکی می‌کشم | می‌کنم سرسبز خاری را که در راه من است |
| ۴) شکست دشمن عاجز نه از جوانمردی است | تا را گمان که من از نیش خار می‌ترسم |

حرف و افعال

۸۰۹- در معانی ذکر شده برای چند واژه، اشتباه وجود دارد؟

الف) بسنده: سزاوار، کامل، کافی

ب) دمان: مهیب، غزنده، متحیر

ج) پدرام: نیکو، آراسته، شاد

د) دوده: دودمان، طایفه، خاندان

ه) سان: تیزی هر چیز، سرتیزه، چوبه

۱) چهار (۲) دو (۳) سه (۴) یک

۸۱۰- معنای واژه‌های «آورد، درج، بادیا، افسون، افسر، باره» به ترتیب در گزینه دیده می‌شود.

۱) کارزار، زره، شتابنده، سحر، دیهیم، حصار

۲) پیکار، جامه جنگی که از حلقه‌های آهنی سازند، شتابنده، جادو کردن، خود، دیوار قلعه

۳) جنگ، نیزه، تیزرو، حمله کردن، تاج، دیوار قلعه

۴) نبرد، جامه جنگی که از حلقه‌های آهنی سازند، تیزرو، مسخره کردن، کلاه پادشاهی، حصار

۸۱۱- در همه ابیات، به جز بیت معنای هر دو واژه مشخص شده صحیح است.

- | | |
|--------------------------------|--|
| ۱) چو آگاه شد دختر گزدهم | که یالار آن انجمن گشت کم (سردار - گروه) |
| ۲) سر نیزه را سوی سهراب کرد | عنان و سنان را بر از تاب کرد (دهانه - چرخ و بیج) |
| ۳) خروشان و جوشان به کردار موج | فسراز آمدند از کران، فوج فوج (رسیدند - دسته) |
| ۴) چو سهراب را دید گردا فرسید | که بر سان آتش همی پردمید (به کردار - روی بیچاند) |

۸۱۲- در گزینه همه واژه‌ها به درستی معنا شده‌اند.

۱) شیراوزن، گردان، آهنگ، برنا ← شیرافکن، دلبران، عزم، جالاک

۲) خطه، گنام، نغز، هنگامه ← سرزمین، آشیانه، شکستن عهد، زمان

۳) آهنگ، از در، دژ، برگاشتن ← حمله، درخور، قلعه، برگرداندن

۴) کمندافکن، سمند، خیره، نظاره ← کمندانداز، اسبی که رنگش مایل به سرخی است، سرگشته، تماشا کردن

۸۱۳- در کدام گزینه، معنای برخی از واژگان نادرست است؟

۱) (چاره‌گر: مدبّر)، (درنگ: سکون)، (ویله کردن: فریاد زدن)، (بدخواه: بداندیش)

۲) (سراسیمه: پریشان)، (رجوع: امید)، (آوردگاه: رزمگاه)، (درج: ترگ)، (رنجه: ملول)

۳) (خندنگ: جویی سخت و محکم که از آن تیر و نیزه می‌سازند)، (خارق: شکافنده)، (همروزم: هم‌اورد)، (زدا و تر)

۴) (هزیر: چابک)، (برکشیدن: بیرون کشیدن)، (رنگ: افسون)، (فرخنده: خجسته)

۸۱۴- معنای چند واژه درست است؟

(سپردن: طی کردن) - (ستوه: خسته) - (فلک: سپهر) - (شوریدن: آشفته شدن) - (خود: گیر) - (کران: کنار) - (ویله: رها) - (جذبه: کشش) -

(بیم: خوف) - (سندروس: صغی زرد رنگ) - (مگسل: رها کن) - (نامور: نامدار) - (بر آوردن: برافراشتن)

۱) ده (۲) نه (۳) هشت (۴) هفت

۸۱۵- هر دو معنای واژه «میان» (کم، وسط) در همه ابیات به استثنای بیت دیده می‌شود.

۱) غایت کام و دولت است آن که به خدمت رسید بنده میان بندگان، بسته میان چاکری

۲) خواجو ز بس که وصف میان تو شرح داد او از میان برفت و سخن در میان بماند

۳) میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست تو، خود حجاب خودی، حافظه، از میان برخیز

۴) میان نداری و دارم عجب که هر ساعت میان مجمع خویشان کنی میان‌داری

مربی ۸۱۶- برخی از رابطه‌های معنایی میان واژه‌ها، در کدام گزینه درست ذکر نشده است؟

- ۱) (افسر و دیهیم)، (سمنند و زرده)، (کوس و دهل)، (عنان و دهانه) ← ترادف
- ۲) (سلاح و کمان)، (دست و عضو)، (دژ و قلعه)، (تاهید و ستاره) ← تضغن
- ۳) (برنا و پیر)، (سوار و پیاده)، (صلح و کین)، (فراز و فرود) ← تضاد
- ۴) (خود و گیر)، (بهرام و کیوان)، (درع و سنان)، (بوق و کوس) ← تناسب

مربی ۸۱۷- معنای واژه مشخص شده در بیت زیر، با معنای این واژه در چند بیت، یکسان است؟

دستم‌دیده را پیش او خواندند	بیر نامدارانش بنشانانده
الف) بیامد به تخت پندر برنشست	به شاهی کمر بر میان بر بیست
ب) یکی دایه بودش به‌کردار شیر	بر پهلوان اتدر آمد دلیر
ج) سبک تیغ تیز از میان برکشید	بر شیربسیار دل بردرید
د) سپه سازد و رزم ایران کند	بسی زین بر و بوم ویران کند
ه) چو نامه بر سام نیرم رسید	ز شادی زخس همچو گل بشکفید
و) یکی باره بردند هم در زمان	سپهبد نشست از بر او دمان
۱) دو	۲) سه
۳) یک	۴) چهار

۸۱۸- معنای هر دو واژه مشخص شده در گزینه یکسان است.

۱) همی‌تاخت آن بیاره تیزگرد	همی‌آخت کینه، همی‌کشت مرد
وگر بینی که با هم یک‌زبانند	کمان را زه کن و بر باره بر سنگ
۲) غم خویش در زندگی خور که خویش	به مرده نپردازد از حرص خویش
وگر خویش راضی نباشد ز خویش	چو بیگانگانش براند ز پیش
۳) به سهراب بر، تیرباران گرفت	چپ و راست، جنگ سواران گرفت
مادرش هم زان نسق (ترتیب) گفتن گرفت	دژ وصف لطف حق شستن گرفت
۴) گر تو را آهنگ وصل ما نباشد، گو مباش	دوستان را جز به دیدار تو هیچ آهنگ نیست
عالم از ناله عشاق مبادا خالی	که خوش آهنگ و فرح‌بخش هوایی دارد

۸۱۹- در متن زیر چند غلط املائی دیده می‌شود؟

به قدم جست‌وجوی و آرزوی گفت‌وگوی به موضعی رسیدم و جمعی را در آن‌جا فراهم دیدم که به نظاره ایستاده بودند و هر یک در جامه و پوششی و کس را زهره و یارای سخن‌گفتن نبود. پیری از در درآمد، سیاه‌پوشان بر پای خواستند و زبان را به ثنا بیاراستند. از طرف دیگر مقدم سپیدپوشان از بالای حصار به لب جویبار آمد با عددی بسیار؛ فوجی در لباس اهل صلاح و قومی در جامه اهل صلاح هر یک به دست تیغ و تان گرفته و پیر را در میان؛ پس جمله بنشستند و پیر به وقار سخن آغاز کرد.

- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

مربی ۸۲۰- در کدام عبارت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) از این نمط دمدمه و افسون بر ایشان می‌دمید تا با او آلف گرفتند و آمن و فارغ پیش‌تر رفتند. به یک حمله هر دو را برگرفت و بکشت.
- ۲) کنیزک، شاهزاده را دید که اسب می‌تاخت بر اثر او بشتافت و در پس اسب او جُست و در فتراک او نشست و سخن در پیوست که کجا می‌روی؟ شاهزاده عنان مرکب بازکشید.
- ۳) مهر و قهرش را معنی یکی است و به صورت فرق اندکی. چوب ادیب اگرچه درد آرد، عین درمان است؛ مرهم طیب اگرچه تلخ باشد، نقض و شیرین است.
- ۴) ناگهی پای وجودش به گل عدم فرورفت و دود فراق از دودمانش برآمد. بعد از مفارقت وی عزم کردم که فرش هوس درنوردم و گرد مجالست نگردم.

۸۲۱- در بیت گزینه غلط املائی مشهود است.

۱) دریغ بازوی سرینجگی که برپیچد	ستیز دور فلک ساعد توانایی
۲) سپهبد بیامد ز نزدیک شاه	کمر خواست و خفتان و درع و کلاه
۳) عشق غالب شد و از گوشه‌نشینان سلاح	نام مستوری و ناموس کرامت برخاست
۴) گفتم عنان مرکب تازی بگیرمش	لیکن وصول نیست به گرد سمنند او

قرابت معنایی

۸۲۳- مفاهیم «سوارزطلبی، دعوت به صلح، بی‌همتایی، گریز از نبردها به ترتیب در کدام ابیات دیده می‌شود؟

- | | |
|---------------------------------|-------------------------------|
| الف) کجا نام او بود گردآفرید | زمانه ز مادر، چنین ناورید |
| ب) که گردان کدام‌اند و جنگاوران | دلیران و کارآزموده سران |
| ج) به آورد با او بسنده نبود | بپیچید از او روی و برگاشت زود |
| د) کنون لشکر و دژ به فرمان توست | نیاید بر این آشتی، جنگ جست |
- (۱) الف - د - ب - ج (۲) ب - د - الف - ج (۳) ب - ج - الف - د (۴) ب - د - ج - الف

۸۲۴- در کدام گزینه مفهوم ابیات با هم تناسب ندارند؟

- | | |
|--|---|
| (۱) ببوشید درع سواران جنگ
بشد تیز رهام با خود و گبر | نیود اندر آن کار جای درنگ
همی گسرد رزم اندر آمد به ابر |
| (۲) به آورد با او بسنده نبود
چو رهام گشت از کشانی ستوه | بپیچید از او روی و برگاشت زود
بپیچید زو روی و شد سوی کوه |
| (۳) بدو گفت گز من رهایی مجوی
بدو گفت خندان: که نام تو چیست؟ | چرا جنگ جویی تو ای ماه‌روی؟
تن بی‌سرت را که خواهد گریست؟ |
| (۴) کمان را به زه کرد و بگشاد بر
چون تازش به اسب گرانمایه دید | نید مرغ را پیش تیرش گذر
کمان را به زه کرد و اندر کشید |

۸۲۵- مفهوم کدام گزینه با بیت «ببوشید درع سواران جنگ / نبود اندر آن کار جای درنگ» متناسب نیست؟

- | | |
|-------------------------------|---------------------------|
| (۱) وزان جایگه تنگ بسته کمر | ببامد بر از کینه و جنگ سر |
| (۲) اگر خواهی از من زمان درنگ | وگر جنگ جویی بیارای جنگ |
| (۳) یسزد دست و پوشید ببر بیان | نیست آن کیانی کمر بر میان |
| (۴) ببامد بر آن دشت آوردگاه | تهاده به سر بر ز آهن کلاه |

۸۲۶- مضمون بیت «چنان ننگش آمد ز کار هجیر / که شد لاله‌رنگش به کردار قهر» با کدام بیت متناسب دارد؟

- | | |
|----------------------------------|--------------------------------|
| (۱) بنام از بریزی مرا گفت خون | به از زندگانی به ننگ اندرون |
| (۲) نباید که باشید با ساز جنگ | نه زین گونه جوید کسی نام و ننگ |
| (۳) پر از خشم شد زان جوان اردوان | یکی یاتنگ برزد به مرد جوان |
| (۴) به تنها تن خویش جنگ آورم | همه نام او زمر ننگ آورم |

۸۲۷- در کدام گزینه، مفهوم هر دو مصراع با هم تناسب دارند؟

- (۱) کمر بر میان بادپایی به زیر - به یاره برآمد سپه بنگرید
- (۲) سپهبد عنان ازدها را سپرد - عنان را بپیچید گردآفرید
- (۳) که شد لاله‌رنگش به کردار قهر - پر از غم دل و دیده خونین شدند
- (۴) چو بدخواه او چاره‌گر بُد به جنگ - مر آن را جز از چاره درمان ندید

۸۲۸- بیت «سپهبد عنان ازدها را سپرد / به خشم از جهان روشنایی برده» با کدام گزینه از نظر مفهوم ارتباط دارد؟

- | | |
|----------------------------------|----------------------------|
| (۱) کنون جای سختی و رنج و بلاست | نشستن‌گه تیزچنگ ازدهانت |
| (۲) به ایوان خرامید و بنشست شاد | کلاه کیانی به سر برنهاد |
| (۳) ز لشکر برون تاخت بر سان شیر | به پیش هجیر اندر آمد دلیر |
| (۴) هر آن‌گه که خشم آورد بخت شوم | کند سنگ خاراً به کردار موم |

۸۲۹- مفهوم بیت «نباشی بس ایمن به بازوی خویش / خورد گاو نادان ز پهلوی خویش» با مفهوم کدام گزینه متناسب است؟

- | | |
|---|---------------------------------------|
| (۱) از این تعلق بیهوده تا به من چه رسد | وز آن که خون دلم ریخت تا به تن چه رسد |
| (۲) چو خسرو از لب شیرین نمی‌برد مقصود | قیاس کن که به فرهاد کوهکن چه رسد |
| (۳) رقیب کیست که در ماجرای خلوت ما | فرشته ره نبرد تا به اهرمن چه رسد |
| (۴) همه خطای من است این‌که می‌رود بر من | ز دست خویشتم تا به خویشتم چه رسد |

۸۳۱- مضمون کدام گزینه به مضمون بیت «نیامد به دامم به سان تو گور / ز چنگم رهایی نیایی مشور» نزدیک تر است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) دست در حلقه آن زلف دوتا نتوان کرد | تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد (دوتا خمیده) |
| ۲) آن چه سعی است من اندر طلبت بنمایم | این قدر هست که تغییر قضا نتوان کرد |
| ۳) دامن دوست به صد خون دل افتاد به دست | به فسوسی که کند خصم رها نتوان کرد |
| ۴) غیرتم کشت که محبوب جهانی لیکن | روز و شب عریده با خلق خدا نتوان کرد |

۸۳۲- مفهوم کدام گزینه با مفهوم مصراع اول بیت «نباشی بس ایمن به بازوی خویش / خوزد گاو نادان ز پهلوی خویش» متناسب است؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱) زور بازوی تو گل ناخدای دیگر است | بی غم ساحل در این دریا شنایی می کنم |
| ۲) نشان خود از بازوی مردم مخواه | گر که تو را بازوی زورآزماسست |
| ۳) رستم از سیلی تقدیر به خاک افتاده است | تا به کی تکیه به سرپنجه پرزور کنی؟ |
| ۴) دشمن توست تن بدکنش ای غافل | به شب و روز مباحش ایمن از این دشمن |

۸۳۳- مفهوم کدام بیت از مفهوم سایر ابیات دورتر است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) از کمال خویش نالم تی ز جور روزگار | زیر بار خود بود دستم چو شاخ میوه دار |
| ۲) اگر به خار و خسی فتنه ای رسد در دشت | گناه داس و تبر نیست، جرم خارکن است |
| ۳) چون مگس، ناخوانده هر کس بر سر خوانی رود | ای بسا سیلی به دست خود زند بر روی خویش |
| ۴) ز بیگانه نمی نالم مرا معلوم شد ای مه | که غم های جهان یک سر مرا از خویش می آید |

۸۳۴- ابیات کدام گزینه با هم تقابلی مفهومی دارند؟

- | | |
|----------------------------------|------------------------------|
| ۱) به آورد با او بسنده نبود | ببچید از او روی و برگاشت زود |
| ۲) برآه بخت ره نام گرز گران | غمی شد ز پیکار دست سران |
| ۳) همه تیغ و گرز و کماند آورید | به ایرانیان، سنگ و بند آورید |
| ۴) کنون لشکر و دژ به فرمان توست | نباید بر این آشتی، جنگ جت |
| ۵) به پیش سپاه اندر آمد چو گرد | چو رعد خروشان یکی ویله کرد |
| ۶) خروشید: کای مرد رزم آزمای | هماوردت آمد، مشو بلاز جای |
| ۷) چرا رنجه گشتی کنون بازگرد | هم از آمدن هم ز دشت نبرد |
| ۸) هم اکنون تو راه ای نبرده سوار | بیاده بیاموزمت کارزار |

۸۳۵- در کدام گزینه مضمونی وجود دارد که در تقابلی با دیگر گزینه هاست؟

- | | |
|-----------------------------------|---|
| ۱) زور بازو داری و شمشیر تیز | گر جهان لشکر بگیرد غم مدار |
| ۲) در آستین بخت بلند است این کلید | نتوان به زور دست در فیض باز کرد |
| ۳) زور جهان بیش ز بازوی توست | سنگ وی افزون ز ترازوی توست |
| ۴) زور بازوی شجاعت برتابد با اجل | چون قضا آمد نماند قوت رای ز زمین (محکم) |

(۱ تا ۴)

۸۳۶- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- | | |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) آتش به دو دست خویش در خرمن خویش | من خود زده ام چه نالم از دشمن خویش |
| ۲) گرچه دانم که نیک بد کردم | چه توان کرد چون که خود کردم |
| ۳) کفن بر تن نشد هر گرم پیله | برآرد آتش از خود هر چناری |
| ۴) من نیک تو خواهم و تو خواهی بد من | تو نیک نبینی و به من بد نرسد |

۸۳۷- کدام گزینه با بیت «ز کس جز خداوندشان بیم نیست / به فرهنگشان حرف تسلیم نیست» قرابت مفهومی دارد؟

- | | |
|---------------------------------|-------------------------------|
| ۱) واگذار این کار خود را با خدا | پیش خود ساز تسلیم و رضا |
| ۲) سرم گشت سیر و دلیم کرد بس | جز از پاک یزدان نترسم ز کس |
| ۳) ندارم همی دشمن خرد خوار | بترسم همی از بد روزگار |
| ۴) همه دشمنان را سپردی به خاک | نماندت به گیتی ز کس بیم و باک |

طوطی و بقال

تعلیم و التعلیم

۸۸۰- مردان کامل، سنجش، بالا، اندازه، کاسه مسی، همانندان، به ترتیب، معانی واژگان کدام گزینه است؟

- (۱) ابدال، قیاس، صدر، غدر، طاس، اشباح
 (۲) ابرار، غیات، صدر، قدر، طاس، اشباح
 (۳) ابدال، قیاس، صدر، قدر، طاس، اشباح
 (۴) ابرار، غیات، صدر، قدر، طاس، اشباح

۸۸۱- با توجه به بیت، کدام واژه مشخص شده نادرست معنا شده است؟

- (۱) در خطاب آدمی، تاطبق بدی
 (۲) از سوی خانه بیامد خواجه اش
 (۳) از قیاسش خنده آمد خلق را
 (۴) هر دو گون آهو گیا خوردند و آب
 در نسوی طسوطیان حسادق بدی (روباروی سخن گفتن، سخنگوی، ماهر)
 بر دکان بنشست قارغ، خواجهش (صاحب، آسوده، کدخدا)
کاو چو خود پنداشت صاحب دلق را (مقایسه، تصور کرد، جامه پشمینه درویشان)
زین یکی سرگین شد و زان، شک تاب (نوع، فسله، خالص)

۸۸۲- «سفاخت، زیون، قهر، عربده، تلطف» به ترتیب، یعنی

- (۱) نادانی، خواری، خشم، فریاد پر خاش جویانه، مهربانی
 (۲) بی‌خردی، ناتوان، خشم، پر خاش، مهربانی
 (۳) کم‌عقلی، خوار، غضب، نعره، ترمی کردن
 (۴) بی‌خردی، ناتوان، غضب، فریاد و هیاهو، اظهار لطف و جفا

۸۸۳- در همه گزینه‌ها به استثنای گزینه واژه‌ای نادرست معنا شده است.

- (۱) ندامت، گل، نیش، تأسف، کجیل، شهید
 (۲) جولقی، میغ، مسلم‌داشتن، درویش، سحاب، باور کردن
 (۳) حذر، عطار، مثنوی، برهیز، بقال، مزدوج
 (۴) ابلیس، انا، واعظ، اهریمن، ظرف، اندرزگویان

۸۸۴- در کدام دو گروه، همه واژه‌ها به درستی معنا شده‌اند؟

- (الف) (دریغ: افسوس)، (ژنده‌پوش: گدا)، (مانستن: شبیه‌بودن)، (استنباط: دریافت معنی چیزی بر اثر دقت)
 (ب) (سوداگر: خریدار و فروشنده)، (جفا: جور)، (ششک: ظرف جرمی مخصوص نگاه‌داری آب)، (سپهر: فلک)
 (ج) (تحسین: ستودن)، (آبخور: محل نوشیدن آب)، (محراب: قبله)، (ناکس: فرومایه)
 (د) (طشت: ظرف بزرگ فلزی)، (حیران: تحیر)، (نوا: نغمه)، (تراویدن: چکیدن)
 (۱) الف - ج
 (۲) ب - د
 (۳) الف - د
 (۴) ج - ب

۸۸۵- کلمات کدام گزینه هم‌خانواده نیستند؟

- (۱) خطاب، مخاطب، خطیب، خطبه
 (۲) تشابه، اشباه، مشابهت، مشبه
 (۳) تعلق، منطلق، اشطاق، ناطق
 (۴) تملّف، ملاطفت، الطاف، لطف

۸۸۶- رابطه معنایی ذکر شده برای کدام دو گروه از واژه‌ها، تماماً صحیح است؟

- (الف) (جور و جفا)، (قهر و غضب)، (سفاخت و جاهل) ← ترادف
 (ب) (طاس و طشت)، (عطار و بقال)، (دکان و سوداگر) ← تناسب
 (ج) (جامه و دلق)، (آهو و حیوان)، (محراب و بت) ← تضمّن
 (د) (نیش و نوش)، (زیون و عزیز)، (جفا و وفا) ← تضاد
 (۱) الف - ج
 (۲) ج - ب
 (۳) د - الف
 (۴) د - ب

۸۸۸- در ابیات زیر، کدام واژه‌ها، تماماً از نظر املائی غلط‌اند؟

- | | | | | |
|--|---------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------|-------------------------------|
| الف) چون ته ما را نباشد در دو عالم شبه و مثل | ب) یک شهر همه طبیب شد، حازق کو؟ | ج) نه هر کس سزاوار باشد به صدر | د) کسی گزارد خدا تو را فارغ | ه) تو نازک‌طبعی و طاققت نیاری |
| خاک بر فرق مشبه باد مر اشباه را | گیتی همه نطق است، یکی ناطق کو؟ | کرامت، به فضل است و ترتیب، به غدر | چون خدا را ز کار نیست فراغ | گراسی‌های مشتکی دلق‌پوشان |
| (۱) غدر، اشباه، فارغ | (۲) صدر، اشباه، حازق | (۳) غدر، حازق، گزارد | (۴) فراغ، دلق، فارغ | |

۸۸۹- در کدام عبارت غلط املائی دیده می‌شود؟

- حکما گفته‌اند: از تلقون طبع پادشاهان بر حذر باید بودن که وقتی به سلامی برتجد و گاهی به دشنامی خلعت دهند.
- یکی از فضلا تعلیم ملکزاده‌ای همی کردی و ضرب بی‌محابا زدی و زجر بی‌قیاس نمودی. باری، پسر از بی‌طاقتی شکایت پیش پدر برد.
- ابدال را چون در عیش و طرب انس اندازند، گویی با ایشان خطاب می‌کنند در بهشت به زبان نور، و چون در عیش هیبت اندازند، گویی با ایشان خطاب می‌کنند به زبان نار.
- هر که را بی تو کار برآید از قهر و غضب خویش مترسان که هر که از تو مستغنی بود از خشم تو نترسد و هر که را بی تو کار برنیاید یکباره ذبون بگیر و بر وی چیره مشو.

۸۹۰- در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

- «در شهر بصره رختشویی بود، پسری داشت احمق و جاهل؛ بی‌تشخیص و غافل؛ مذموم‌سیرتی و مجهول‌صورتی که طبیعت معکوس او به مواظب و نصایح پدر اصلاحی نمی‌پذیرفت؛ و حرص و جنون و سفاقت بر طبع وی چنان غالب شده بود که به هیچ تلطف و تکلف، مداوا نمی‌پذیرفت. همیشه دل پدر از صدمات خار خلاف او خسته و ستوه بودی و خاطرش از خطر جهالت او رنجور.»
- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۸۹۱- در میان گروه کلمات «ناطق و حاذق - سرگین و فضل - استنبات ذهنی - سپهر معرفت - بر سبیل تلطف - عربده و سفاقت - جولفی و صاحب‌دلق - محراب و منبر - طاس و طشت - اشباح و ماندها - صفت و صورت - نطق و خطاب - حضر و احتیاط» املائی کدام واژه‌ها تماماً غلط است؟

- ناطق و خطاب - اشباح و ماندها - طاس و طشت - محراب و منبر
- ناطق و حاذق - استنبات ذهنی - عربده و سفاقت - صفت و صورت
- بر سبیل تلطف - سرگین و فضل - سپهر معرفت - جولفی و صاحب‌دلق
- اشباح و ماندها - جولفی و صاحب‌دلق - استنبات ذهنی - حضر و احتیاط

قرابت‌منایی

۸۹۲- مفهوم کلی بیت زیر چیست؟

- «چون بسی ابلیس آدم‌روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست»
- ظاهر فریبی نکردن
 - گول ظاهر را نخوردن
 - دوری از اعمال شیطانی
 - شرکت‌نداشتن در امور ناشایست

۸۹۳- در کدام گزینه، دو مصراع، هم‌مفهوم هستند؟

- ریش برمی‌کند و می‌گفت ای دریغ - مرد بقال از ندامت آه کرد
- صدهزاران این‌چنین اشباه بین - کم کسی ز ابدال حق آگاه شد
- کافتاب نعمتم شد زیر میغ - جمله عالم زین سبب گمراه شد
- پس به هر دستی نشاید داد دست - کار پاکان را قیاس از خود بگیر

۸۹۴- از همه گزینه‌ها، به‌جز گزینه «سخن‌گویی» طوطی دریافت می‌شود.

- در خطاب آدمی ناطق بدی
- در نوای طوطیان حاذق بدی
- خوش‌نواپی سبز گویا طوطی‌ای
- نکته‌گفتی با همه سوداگران

۸۹۵- مفهوم کدام بیت از مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها دور است؟

- گرچه در پای دلم خار جفا بود دگر
- چون که گل رفت و گلستان درگذشت
- رفت از دست من آن زیباتگاری، چون کنم؟
- رفت آن روز که دامان بهار از دستم
- گل به دست آمد و در پای دلم خار نماند
- نشجوی زان پس ز بلبل سرگذشت
- بست در دستم عنان اختیاری چون کنم؟
- رفت چون برگ خزان‌دیده فرار از دستم

سوالات درس های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ فارسی دهم چاپ ۶۸- محسن فصرانی

۸۹۶- مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت «ریش برمی کند و می گفت: ای دریغ / کآفتاب نعمتم شد زیر میغ» متناسب است؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱) دست پیش چشم می‌گیرد ز ابر نوبهار | تا کند نظاره آن روی اسور آفتاب |
| ۲) آفتابم ز خاتمه بیرون شد | منم امروز و وحشت شب تار |
| ۳) نیست بخل، از دورباش بی‌نیازی‌های ماست | نعمت خود را اگر از ما جهان دارد دریغ |
| ۴) هرگاه سایه تو نهد رو به کوتاهی | چون آفتاب باش مهتیا زوال را |

۸۹۷- مضمون کدام گزینه با مضمون بیت «کار پاکان را قیاس از خود مگیر / گرچه ماند در نبشتن شیر و شیر» متناسب است؟

- | | |
|---|---------------------------------------|
| ۱) خود گرفتم که نگویم که مرا واقعه‌ای است | دشمن و دوست بدانند قیاس از سختم |
| ۲) اگر مقام اولیا داری هوس | رهبر تو اندرین ره صدق بس |
| ۳) هزار نکته باریک‌تر ز مو این‌جاست | نه هر که سر بترشد قلندری داند |
| ۴) می‌توان ره برد از سیما به کنه هر کسی | شاهدی گلزار رنگین را به از گلسته نیست |

ویا ۸۹۸- مضمون و پیام کدام گزینه از سایر ابیات دور است؟

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱) هست نیکو ظاهرش چون هست نیکو باطنش | اینه چون راست باشد راست بنماید خیال |
| ۲) گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار | کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست؟ |
| ۳) در ظاهرشان به اولیا می‌مانند | در باطنشان سوی مسلمانی نیست |
| ۴) نه هر بیرون که بپسندی درونش هم‌چنان باشد | بسا حلوی صابونی که زهرش در میان باشد |

۸۹۹- همه گزینه‌ها، به‌جز گزینه با بیت «صد هزاران این چنین اشباه بین / فرقاش هفتادساله راه بین» تناسب مفهومی دارند.

- | | |
|--|---|
| ۱) ترازو گر نداری پس تو را زو ره زند هر کس | یکی قلبی بیاراید تو پنداری که زر دارد |
| ۲) به هر دیگری که می‌جوشد میاور گانه و منشین | که هر دیگری که می‌جوشد درون چیزی دگر دارد |
| ۳) چراغ است این دل بیدار به زیر دامنش می‌دار | از این باد و هوا بگذر هوایش شور و شر دارد |
| ۴) نه هر کلکی شکر دارد نه هر زیری زیر دارد | نه هر چشمی نظر دارد نه هر بحری گهر دارد |

۹۰۰- مفهوم کدام گزینه با مفهوم مصراع «کم کسی ز ابدال حق آگاه شد» متناسب است؟

- | | |
|-----------------------------------|--|
| ۱) اسیرش نخواهد رهایی ز بند | شکارش نجوید خلاصی از کمند |
| ۲) به سروقتشان خلق کی ره برتند؟ | که چون آب حیوان به ظلمت درند |
| ۳) چو بیت‌المقدس درون پرقیاب | رها کرده دیوار بیرون خراب (قیاب: ج قبه گنبد) |
| ۴) نه تلخ است صبری که بر پید اوست | که تلخی شکر باشد از دست دوست |

۹۰۱- مفهوم کدام گزینه به مفهوم مصراع دوم بیت «جمله عالم زین سبب گمراه شد / کم کسی ز ابدال حق آگاه شد» نزدیک‌تر است؟

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) هجوم خلق نگردد حجاب هستی حق | ز کثرت ربه کی می‌شود شبان پنهان؟ |
| ۲) قبول خلق حجاب است از قبول خدا | نهفته دار به مجمع ز خلق، طاعت را |
| ۳) هر کس به تو ره یافت ز خود گم گردید | آن کس که تو را شناخت خود را شناخت |
| ۴) مردان راهت از نظر خلق در حجاب | شب در لباس معرفت و روز در قبا |

ویا ۹۰۲- مفهوم کدام بیت با مفهوم بیت زیر تفاوت دارد؟

- | | |
|---|------------------------------------|
| «چون بسی ابلیس آدم‌روی هست | پس به هر دستی نشاید داد دست» |
| ۱) ته هر که چشم و گوش و دهان دارد آدمی است | بسی دیو را که صورت فرزند آدم است |
| ۲) زاهد از طاعت به راز عشق محرم کی شود؟ | من گرفتم شد ملک ابلیس، آدم کی شود؟ |
| ۳) مردم نه‌ای، چه نفس بد اندر نهاد توست | دیوی که جای کرده در اندام آدمی |
| ۴) مسازید از برای نام و دام و کام چون غولان | جمال نقش آدم را نقاب نفس شیطانی |

۹۰۳- بیت «چون بسی ابلیس آدم‌روی هست / پس به هر دستی نشاید داد دست» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- | | |
|------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) ز فکر تفرقه بازای تا شوی مجموع | به حکم آن‌که چو شد اهرمن سروش آمد |
| ۲) که با نفس و شیطان برآید به زور؟ | مصاف پلنگان نباید ز مور |
| ۳) چو انسان را نباشد فضل و احسان | چه فرق از آدمی نا نقش دیوار؟ |
| ۴) نخست موعظه پیر صحبت این حرف است | که از مصاحب ناجنس احتراز کنید |

۹۰۴- همه ابیات، به‌جز بیت مفهوم عبارت «از کوزه همان برون تراود که در اوست» را در بر دارد.

- | | |
|--|---|
| ۱) حلقه در از درون خانه باشد بی‌خبر | مطلب دل را زبان تقریر نتوانست کرد |
| ۲) از هر چه سو بر کنی از زیر و ز پهلوش | زان چیز برون آید و بیرون دهد آغاز (☞ رطوبت) |
| ۳) گر بگویم که مرا حال پریشانی نیست | رنگ رخسار خیر می‌دهد از ستر ضمیر |
| ۴) حال من دور از آن جمال میرس | رنگ و رویم ببین و حال میرس |

زنگنه ۸۳

۹۰۵- عبارت «روزی ابلهی از حضرت عیسی (ع) سخنی پرسید و بر سبیل تَلَطُّف جوابش باز داد و آن شخص مسلّم نداشت. چندان که او نفرین می‌کرد، عیسی تحسین می‌نمود.» با کدام گروه از ابیات زیر ارتباط مفهومی دارد؟

الف) بد کند کار، نیک دارنش	همه عیبی هنر شمارنش
ب) نکویی با بدان کم‌تر کن اما	به نیکان بیشتر کن نیکی خویش
ج) عجب نباید از سیرت بخردان	که نیکی کنند از کرم با بدان
د) یکی بد کند، نیک پیش آیدش	جهان بنده و بخت خویش آیدش
ه) مکافات بد گر کنی نیکوی	به گیتی درون داستانی شوی
و) تو برخلاف بدان تخم نیکنامی کار	که هر کس آن درود از جهان که می‌کارد
ز) وگر خواجه با دشمنان نیک‌خوست	بسی برنیاید که گردند دوست

(۱) الف - د - و

(۲) ب - د - ه

(۳) ج - ه - ز

(۴) الف - ج - ز

مربی ۹۰۶- مفهوم کدام بیت با «كُلُّ اِنَاءٍ يَتَزَشُّعُ بِمَا فِيهِ» نامتناسب است؟ (انسانی ۸۳)

۱) بداصل گدا، جو خواجه گردد، نه نکوست	مغزور شود نداند از دشمن دوست
۲) پاک‌دامنی جو شمع و نور ببارد از رخت	پاک‌دامنی دلیلش روی نورانی بود
۳) می‌دهد ظاهر هر کس خیر از باطن او	رتبه پیرهن آری ز قبا معلوم است
۴) آن که جو خرماست رفیقش مدان	کاوست برون مغز و درون استخوان

۹۰۷- همه گزینده‌ها، به‌استثنای بیت با عبارت «من از سخن او جاهل نمی‌گردم و او از خلق و خوی من عاقل می‌گردد.» تقابل مفهومی دارند.

۱) به همواری ادب کن خصم سرکش را که خاکستر	به نرمی زیردست خویش می‌گرداند آتش را
۲) پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است	تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است
۳) که حاصل کند نیک‌بختی به زور؟	به سرمه که بینا کند چشم کور؟
۴) توان پاک‌کردن ز رنگ آینه	ولیکن نیاید ز سنگ آینه

مربی ۹۰۸- مفهوم «كُلُّ اِنَاءٍ يَتَزَشُّعُ بِمَا فِيهِ» با کدام بیت تناسب دارد؟ (زبان ۸۳)

۱) دل خانه خداست جو مصحف عزیز دار	زان پیش‌تر که میل شرابش کند خراب
۲) به زیر چرخ دل شادمان نمی‌باشد	گل شکفته در این بوستان نمی‌باشد
۳) در پیش ما فتاده است مستی و هوشیاری	در هر که هر چه باشد رفتار می‌نماید
۴) از قضا آینه چینی شکست	خوب شد اسباب خودبینی شکست

مربی ۹۰۹- مفهوم همه گزینده‌ها، به‌جز بیت با مفهوم عبارت زیر متناسب است.

«ابلهی با وی دچار شد و از حضرت عیسی (ع) سخنی پرسید؛ بر سبیل تَلَطُّف جوابش باز داد و آن شخص مسلّم نداشت و آغاز عربده و سفاهت نهاد. چندان که او نفرین می‌کرد، عیسی تحسین می‌نمود.»

۱) هرگز نکرده است کسی مهر کینه را	این آب تیره در قدح من زلال شد
۲) پرده‌پوشی جو خموشی نبود نادان را	کز نظرها کجی تیر نهان در کیش است
۳) سفیه را به سفاقت جواب باز مده	ز بی‌وفا به وفا انتقام باید کرد
۴) برنمی‌آید درشتی از ملایم‌طینتان	می‌شکافد نرمی مغز استخوان پسته را

۹۱۰- بیت «گر دایره کوزه ز گوهر سازند / از کوزه همان برون تراود که در اوست» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟ (زبان ۸۵)

۱) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را	دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
۲) گر درونست بد است، گفتت بد	ور «رون تو خوب، گفتت خوب
۳) باطنش همچو پشت آینه بود	ظاهر هر که صاف‌تر دیدم
۴) از قضا آینه چینی شکست	خوب شد اسباب خودبینی شکست

۹۱۱- مفهوم مقابل عبارت «من از سخن او جاهل نمی‌گردم و او از خلق و خوی من عاقل می‌گردد.» در کدام بیت دیده می‌شود؟

۱) نکویی کن و مهربانی و داد	بود کن بدی‌ها تیار به یاد
۲) ز بدگهر همه نیک تو بد شود لیکن	به قول نیک تو فعل بدش نکو نشود
۳) بدان را نوازش کن ای نیک‌مرد	که سگ پاس دارد چون نان تو خورد
۴) کسی کیش بدی کرده‌ای زینهار!	از او هیچ‌گه چشم نیکی مدار

مربی ۹۱۲ - مفهوم کدام بیت از مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها دورتر است؟

- | | |
|---|----------------------------------|
| ۱) می‌شوند از چرب‌نرمی دوست «صائب» دشمنان | بر چراغ من نسیم صبحگاهی روغن است |
| ۲) به فعل نیک و به گفتار خوب پشت عدو | چو عاقلان جهان زیر بام باید کرد |
| ۳) تو راستی کن و با گردش زمانه بساز | که مگر هم به خداوند مگر گردد باز |
| ۴) دشنام خلق را ندهم جز دعا جواب | ابرم که تلخ گیرم و شیرین عوض دهم |

(تفسیر ۸۵)

۹۱۳ - ضرب‌المثل «كُلُّ اَنَاةٍ يَتْرَخُّ بِمَا فِيه» با مفهوم کدام بیت متناسب است؟

- | | |
|-------------------------------------|---|
| ۱) من مجرم محبت و دوزخ فراق یار | و آه درون به صدق مقالم (☺) گفتارم دلالت است |
| ۲) آمد بهار و خاطر من شد ملول‌تر | زیرا که باغ بی‌تو محلی ملالت است |
| ۳) گفتم که با تو صورت حالی بیان کنم | دردا که حال عشق بیرون از مقاتل است |
| ۴) گیرم به خون دیده نویسم رساله را | کس را در آن حریم چه حد رسالت است |

(توضیح ۸۴)

مربی ۹۱۴ - مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- | | |
|--------------------------------|-------------------------------|
| ۱) هر که بخراشدت جگر به جفا | همچو گمان کریم زر بخشش |
| ۲) مکافات بدی کردن حلال است | چو بی‌جرم از کسی بد دیده باشی |
| ۳) گر کسی با تو بد کند زنه‌هار | جز به نیکی جزای آن نکنی |
| ۴) با تو گویم که چیست غایت حلم | هر که زهرت دهد شکر بخشش |

۹۱۵ - عبارت «گفت: ای روح‌الله، چرا زبون این ناکس شده‌ای و هر چند او قهر می‌کند، تو لطف می‌فرمایی» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

(تایید ۸۶)

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱) در این باغ از گل سرخ و گل زرد | پشیمانی نخورد آن کس که بر خورد |
| ۲) خلق اگر در تو خست ناگه خار | تو گل خویش از او دریغ مدار |
| ۳) غنچه گلبن وصلم ز نسیمش بشکفت | مرغ خوش‌خوان طرب از برگ گل سوری کرد |
| ۴) هر کجا باغی، گل از خارش جدا بینی ولی | کی به باغ ما گلی را دیدی از خاری جدا |